

برای اولین بار؛

حضور داور ایرانی در جشنواره فیلم مستند بیگ اسکای آمریکا

جشنواره فیلم مستند بیگ اسکای آمریکا با حضور یک داور ایرانی در بین دیگر داوران این جشنواره به کار خود پایان داد. شانزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم مستند بیگ اسکای آمریکا باامداد شنبه چهارم اسفندماه به وقت ایران با برگزاری مراسم اختتامیه به پایان رسید.

این رویداد مهم سینمای مستند جهان که آثار منتخب آن به‌طور خودکار برای جایزه اسکار بهترین فیلم مستند در نظر گرفته می‌شوند، برای نخستین بار با حضور داور ایرانی همراه شد. بهمن نورایی، مترجم و فعال بین‌الملل سینما، مدیر بازرگانی مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی است که بیش از یک سال مجری یکی از شوهای تلویزیونی شبکه جهانی پرس تی‌وی به نام WeThePeople بود.

نورایی به همراه تونی بل، مدیر خدمات فیلمسازان انجمن بین‌المللی مستند (IDA) و رابرت چنگ، از تهیه‌کنندگان مجموعه آمریکا در قابی نو (America ReFramed)، داور بخش مستند بلند جشنواره بود. جایزه بهترین مستند بلند جشنواره به فیلم «سگ پری وار» به کارگردانی جسی آلک رسید و مستند «بهشت تاریک» به کارگردانی یاسمین هرولد و مایکل بیمیش نیز جایزه نگاه هنری این بخش را به خود اختصاص داد. در مراسم اختتامیه جشنواره علاوه بر بیانیه هیات داوران، پیام ویدیویی بهمن نورایی نیز پخش شد.

ترجمه متن پیام نورایی به شرح ذیل است: «سلام گرم من به همه علاقمندان سینما در آمریکا و به ویژه جشنواره باشکوه بیگ اسکای. از همکاران خودم در هیات محترم داور و مدیر برنامه‌ریزی جشنواره به خاطر این فرصت تشکر می‌کنم. با وجود آن که سینما هنر چه نزدیک تر کردن انسان‌ها و برخورد از زبانی فراموشی است، به دلیل یک قانون سیاسی از حضور در جمع شما بازماندم. اما هنر محدود شدنی نیست و من در سفرهای پیشین جز محبت و دوستی از مردم آمریکا ندیده‌ام.»

لوگوی «ژن خوک» رونمایی شد

لوگوی فیلم سینمایی «ژن خوک» به کارگردانی سعید سهیلی با طرحی از میثم میرزایی رونمایی شد.

در این فیلم هادی حجازی‌فر در نقش رضا کیشمیش و سینا مهرداد در نقش عماد گر به به ایفای نقش می‌پردازند.

دیگر بازیگران این فیلم عبارتند از: نازنین بیاتی، بهرنگ علوی، صبا سهیلی، قربان نجفی، علیرضا مهران، شهین تسلیمی، مهدی دانایی مقدم، احمد مینایی، افشین اخلاقی، فرشید نژادکتی، وحید کرمانی، مهسا آئینز، الناز حبیبی و جمشید هاشم‌پور.

دیگر عوامل «ژن خوک» عبارتند از: نویسنده، کارگردان و تهیه‌کننده: سعید سهیلی، مدیر فیلمبرداری: مسعود سلامی، تدوین: فرامرز هوتیم، موسیقی: ستار اوری، طراح لباس: ملودی اسماعیلی، مدیر تولید: سجاد رحیمی، صدابردار: وحید مقدسی، دستیار یک کارگردان: حامد مختاری، برنامه‌ریز: امید جزینی، طراح صحنه: محمدرضا میرزاجان محمدی، طراح چهره پردازی: عباس عباسی، عکاس: سحاب زربیاف، منشی صحنه: سعیده دلیریان، پشت صحنه: روزبه خسروی، جانشین تهیه: ابراهیم اصغری، دستیار تهیه: محمد محمدیان، مدیر تدارکات: محمد ابراهیمی، مشاور رسانه‌ای: مریم قربانی‌نیا.

در میان «آشغال‌های دوست‌داشتنی» موج می‌زند؛**تشویق به مهرورزی در اوج اختلافات**

این فیلم دقیقاً مَثَبِ ای است برای وحدت و انسجامی که امروز در بین مردم ما کم‌دیده می‌شود. نه فقط در بین مردم با مردم که حتی در بین مردم و دولت؛ تقریباً احترام به تفاوت و تضارب آرا وجود ندارد. مردم با هم و دولت با مردم و بالعکس، با تسامح و تساهل مواجه نمی‌شوند و رابطه‌های شان در هر شکل و مفهومی حول محور حذف و طرد می‌چرخد. در حالی که رمز وحدت و لاجرم موفقیت یک کشور و حفظ تمامیت آن، پذیرش و احترام به همین طرز فکرهای متفاوت و گاه متضاد است.



آذر فخری، روزنامه‌نگار

نویسنده و کارگردان: محسن امیریوسفی

بازیگران: شیرین یزدان‌بخش، حبیب رضایی، هدیه تهرانی، نگار جواهریان، اکبر عبدی، صابر ابر و شهاب حسینی



سال ۸۸ است. بحیوچه همان دورانی که بعد از اعلام نتایج انتخابات، مردم به خیابان‌ها ریختند. عده‌ای از تجمع‌کنندگان که در حال فرار از دست نیروهای امنیتی بودند وارد خانه ایران (منیر) خانم شدند تا اوضاع کمی آرام‌تر شود. بعد از رفتن آن‌ها، ایران خانم و همسایه‌ها متوجه علامتی روی در خانه می‌شوند و این طور شایعه می‌شود که احتمالاً نیروهای امنیتی به زودی به خانه او می‌آیند و آن‌جا را می‌گردند. در و همسایه به ایران خانم پسر توصیه می‌کنند اگر در خانه‌اش چیز مشکوک و مسئله‌سازی دارد آن را از بین ببرد تا مشکلی برایش به وجود نیاید و این آغاز ماجراست. خانه پیرزن، ایران خانم (با بازی شیرین یزدان‌بخش)، خانه‌ای است با شوهر و فرزندی که با تضارب آرای شان، هر کدام به راه خود رفته‌اند و حالا

انتشار

نگاهی به فیلم «آشغال‌های دوست‌داشتنی» پر حاشیه!

گردهم‌آیی تفاوت‌ها

نازبه ناصح، دکترای روانشناسی عمومی

فیلم «آشغال‌های دوست‌داشتنی» بالاخره بعد از ۶ سال توقیف و فراز و نشیب‌های فراوان بر پرده سینماهای کشور اکران شد؛ فیلمی که هیچ حساسیتی را شعله‌ور نمی‌ساخت و این سوال را مطرح می‌کرد که مگر آشغال‌های دوست‌داشتنی چه داشت که ۶ سال توقیف شد!

«آشغال‌های دوست‌داشتنی» تنها نمایانگر تقابل میان نسل‌ها و تفکرات گوناگون در بستر یک خانواده است که اغلب رویدادهای قصه را نیز صرفاً صورت‌نمادین روایت می‌کند. فیلم، روایتگر در ماندگی حسی و صحبت خیالی مامان منیر با قاب عکس شوهر مرحوم، فرزند خارج‌رفته، فرزند

قاب عکس‌های شان بر جای مانده. سه قاب عکس از سه مرد؛ اول پسری که در جنگ ایران و عراق شهید شده است. دوم پسری که از اعضای سازمان مجاهدین بوده و در جریان دهه ۶۰ اعدام شده و قاب عکس سوم هم متعلق به همسر ایران خانم است که از طرفداران مصدق بوده و در جریان کودتای ۲۸ مرداد برایش اتفاقی می‌افتد. داستان گفت‌وگوی خیالی این سه نفر است که در جریان ششی می‌گذرد که او خیال می‌کند فردا به سراغش خواهند آمد.

ایران خانم خاتره‌زدایی می‌کند!

ایران خانم تنها، از آن‌جا که خاطرات بدی از تسامح و قیامی که در این سرزمین افتاده دارد و در رابطه با هر کدام هم قربانی داده است، تصمیم می‌گیرد خانه را از هر نشانه‌ای که ممکن است برایش دردسرساز باشد، پاک کند. از سیور ماهواره تا ظرف‌های منقوش به نقش‌های شیر و خورشید، تا آلبوم عکس‌های قدیمی با عکس‌های آستین کوتاه و بی‌حجاب و آدم‌های درون عکس‌ها را با خود کار روتوش می‌کنند! و در نهایت صفحه‌ها و آلبوم‌های موسیقی قدیمی را در کیسه‌زباله می‌اندازد. به این ترتیب

از همان اول فیلم متوجه می‌شویم ایران خانم و خانه‌اش، نمادی از مام وطن است با تمام ناملایمات تاریخی که دیده‌ها؛ از کودتای ۲۸ مرداد تا برخوردای ساواک، جنگ و دهه پر تلاطم ۶۰ حالا ایران خانم با بچه‌های ناسربراهش، بجز آن‌که در جبهه شهید شده، از سایه خودش هم می‌ترسد و در پی پاکسازی خانه‌اش است از هر چیزی که ممکن است برایش دردسرساز کند.

در این شرایط بحرانی، آدم‌های درون قاب عکس‌ها جان می‌گیرند و شروع می‌کنند به حرف زدن با مادر. همان قاب عکس‌هایی که در کنار آشغال‌های دوست‌داشتنی باید در سطل زباله ریخته شوند. خاطراتی که نباید هیچ‌اثری از آن‌ها باقی بماند. آدم‌هایی که در لحظات بحرانی تاریخ ایران در یک قاب عکس حبس شده‌اند. آدم‌هایی که هر کدام با اعتقادات و تفکرات خود، قسمتی از تاریخ ایران را ساخته‌اند.

محمدعلی (اکبر عبدی)، همسر منیر (ایران) خانم، کارمند اداری و طرفدار مصدق که آخر عمر توبه کرده و به مکه رفته است، منصور (شهاب حسینی) برادرش، یک چپی که احتمالاً اواخر سال ۶۰ اعدام شده است، امیر (صابر ابر)، پسرش که در جنگ ایران و عراق

نکته دیگر آن است که فیلم مذکور در به تصویر کشاندن وقایع و رخداد‌های سال ۸۸ و حوادث و بحران‌های معترضان بسیار ضعیف عمل کرده و به بیان چند دیالوگ کلیشه‌ای بسنده کرده که بر این اساس نتوانسته موضوعات مطرح شده در داخل داستان را به چالش بکشد و گفت‌وگوهای تیز و بُرنده‌ای را میان شخصیت‌های داستان برقرار کند. بطور خلاصه می‌توان گفت تنها حرف «آشغال‌های دوست‌داشتنی» دعوت تمام افراد به گفت‌وگو و مدارا است؛ اعضای یک خانواده و به تبع آن اعضای یک جامعه را صرف‌نظر از سبک و عقاید متفاوت خویش، به سازش و مدارا دعوت می‌کند. براساس ایده خلق دوستی از دل تنش، و برقراری گفت‌وگو و ایجاد همدمی در جهانی از سوءتفاهم‌ها و ناهمراهی‌ها بسیار ستودنی است.

در قلمرو روانشناسی «تفاوت» واژه‌ای

یکدیگر می‌ایستند و برای تحقق یک زندگی مسالمت‌آمیز، تمام توان خود را برای مدارا و تساهل و تسامح بالا می‌برند.

فیلمی در ستایش مادرانگی

«آشغال‌های دوست‌داشتنی» فیلمی است در ستایش زن و مادر در قالب میهن. مادری که می‌تواند تمام فرزندان را با هر نوع تفکر و عقیده‌ای دوست داشته باشد و محوری باشد برای جمع شدن آنان در کنار هم. مادر و زنی که می‌داند مردان پیرامونش هر کدام سواد‌های مختلف و حتی متضادی در سر دارند، اما هیچ دلیلی برای جدا شدن آن‌ها از هم نمی‌بیند. این خون و خانه با بهتر است بگوییم مادرانگی؛ و نه البته آن نوع نگاه مادرانه که در همه این‌ها سسال‌ها نمونه‌اش را در سریال‌های آبیکی تلویزیون یا بعضی فیلم‌ها با داعیه نگاه خاص به موضوع زنان دیده‌ایم. «آشغال‌های دوست‌داشتنی» را بیش از هر چیز باید از زاویه نگاه مادرانی دید که در ایران یا هر کشوری که تاریخش بحران‌های زیاد داشته است، با آمدن هر نظام و دوره و حزب غالبی، با هر اتفاق و بحران و جنگی، بیش از همه، آن اتفاق روی دل‌هایشان مانده و داغداران ماندگار تاریخند و در ایران مگر کمند زبانی که با دست دادن پسران و دخترانشان در اتفاق‌های تاریخی و بزنگاه‌های سخت، برای همیشه داغدار ماندند و انسوده از دست دادن عزیزان هیچگاه رهایشان نکرد؟ جدا از نگاه‌های سیاسی که به این فیلم شده و می‌شود، شاید تقلیل‌گرایانه نباشد اگر بگوییم کارگردان آزرده خانم پیش و خوشحال این روزهای «آشغال‌های دوست‌داشتنی»، درباره مادران رنج‌دیده ایرانی فیلم ساخته و با نقش محسوری که به «منیر (ایران) خانم داده، خواسته بگوید تاریخ ایران چه قدر زیاد به دل این مادران بدهکار است؛ به دل مادرانی که از کودتای ۲۸ مرداد درد دارند تا حالا که فرزندان‌شان در سال‌های آخر زندگی‌شان، آن‌ها را گذاشته و رفته‌اند و این همان سیر تاریخی است که از زاویه دید یک زن نگران تعریف می‌شود؛ چه در گفت‌وگو با شوهری که از نیروهای ملی مذهبی بوده یا پسری که در جنگ شهید شده یا برادری که از نیروهای چپ بوده یا فرزندی که به طنز، عصری است معترض اما خوش‌نشین در کشوری غربی و همه این‌ها در خانه‌ای که سمبولیست‌ها

تاریخ ایران چه قدر به دل این مادران بدهکار است؛ به دل مادرانی که از کودتای ۲۸ مرداد در دادرند تا حالا که فرزندان‌شان در سال‌های آخر زندگی‌شان، آن‌ها را گذاشته و رفته‌اند

و این همان سیر تاریخی است که از زاویه دید یک زن نگران تعریف می‌شود

شهید شده و رامین (حبیب رضایی) پسر دیگرش که در حال تحصیل در خارج از ایران است، این‌ها هر کدام نمادی از تاریخ معاصر ایران هستند، هر کدام آرمان‌هایی داشته‌اند، اما در نهایت یک «خانواده» بوده‌اند.

اگر همه این‌ها را کنار هم بگذاریم، منیر خانم می‌شود نمادی از ایران، با همه فرزندان‌ش که هر کدام می‌توانند عقیده و آرمان خودشان را داشته باشند، و در یک انسجام ملی در کنار هم زندگی کنند. هر کدام از این فرزندان به دنیا نگاه متفاوتی دارند، با هم درست‌تیزند و حتی حاضرند رودرروی هم بایستند، اما از رنج و مرگ یکدیگر ناراحت می‌شوند و در لحظه‌های سخت و بحرانی در کنار

است که بیشتر از پیش باید به آن اندیشیده شود؛ همه افراد همواره در عقاید، دیدگاه‌ها و نظرات خود با دیگران متفاوت هستند و هیچکس مثل دیگری نیست، اما این موضوع دلیل نمی‌شود تا افراد نتوانند با یکدیگر به تعامل و ارتباط بپردازند.

نکته بسیار حائز اهمیت آن است که همه اشخاص نسبت به هم تفاوت‌هایی دارند؛ حتی از بطن کانون یک خانواده نیز که هر یک از اعضای آن در چارچوب واحدی از آموزش رشد کرده‌اند و در یک بستر فرهنگی تربیت یافته‌اند، فرزندان با افکار و عقاید متفاوت پرورش می‌یابند؛ در واقع اختلاف‌نظر در خانواده میان والدین و فرزندان، پدیده‌ای است که اکنون بیش از پیش بین خانواده‌های ایرانی شایع شده و ریشه در همین تفاوت‌ها دارد. تفاوت‌های شخصیتی میان اعضا، منجر به بروز اختلاف‌نظرهای کوچک و بزرگ بر سر مسائل مختلف می‌شود که از تفاوت سرگذشت‌های شخصی افراد نشأت می‌گیرد.

به باور کارشناسان روانشناس متفاوت بودن و آزادی عقیده یکی از مهم‌ترین

«آشغال‌های

دوست‌داشتنی» تاریخ مصرف گذشته نیست. بگذارید صریح و راحت بگوییم که شاید اتفاقاً الان بهترین زمان بخش و تماشای آن است. ما به‌عنوان فرزندان ایران خانم باید بتوانیم با تمام تضادها و تعارض‌های مان، خانه و خانواده و این سرزمین مشترک را حفظ کنیم

شاید آن را «ایران» بدانند؛ جایی که کل قصه در آن روایت می‌شود.

جایی که شاید خیلی از ما بودیم!

زمان ماجراهای فیلم و اتفاقاتی که در مورد آن‌ها ساخته شده، شاید به زعم برخی گرد تاریخ مصرف شدگی را بر آن افشاندند باشد. اما بیایید به فیلم علاوه بر بعد اجتماعی، از بعد تاریخی هم نگاه کنیم. آن سال‌ها و جریانات ۸۸، بخشی از تاریخ ملت بوده و هست. این فیلم یک بازخوانی منصفانه در باره آن بازه زمانی است. مسئله فیلم دقیقاً بازنگری، کشف و بیرون کشیدن همین افکار و حتی اشیایی است که با قانون و نرم جامعه در تضاد است و جامعه با قوانین در مقابل آن می‌ایستد از بغلی الکی شوهر مرحوم ایران خانم تا فیلم‌های ویدیویی غیرمجاز، تا عکس‌های خانوادگی بدون حجاب تا تضادهای عمیق تری که در افکار و عقاید اعضا یک خانواده وجود دارد. ما همه این آدم‌ها را می‌شناسیم و گاه اغلب آن‌ها را زندگی کرده‌ایم؛ از مردی که آخر عمری مکه رفته و توبه کرده ولی هم‌چنان بغلی‌اش را نگهداشته تا پسر خارج رفتی‌اش که فرزند عزیز درانه و لوس کرده خانواده است و نمی‌خواستند وسط جنگ و درگیری بزرگ شود تا برادر چپی که هنوز به آرمان‌های چپ وفادار است و پسر دیگری که رزمنده جبهه‌هاست.

فیلم، تاریخ مصرف گذشته نیست. بگذارید صریح و راحت بگوییم که شاید اتفاقاً الان بهترین زمان بخش و تماشای آن است. ما به‌عنوان فرزندان ایران خانم باید بتوانیم با تمام تضادها و تعارض‌های مان، خانه و خانواده و این سرزمین مشترک را حفظ کنیم.

ویژگی‌های ذاتی هر انسان است و تازمانی که عقاید و باورهای متفاوت یک فرد، منجر به توهین، سلطه و تحقیر باور دیگری نشده باشد، نمی‌توان وی را به عدم تسامح و تعصب رفتاری متهم کرد.

در حال حاضر آدمی در دوره و زمانه‌ای به سر می‌برد که عمق و وسعت تفاوت‌ها میان افراد بسیار زیاد شده است، بنابراین برای حفظ روابط و تعاملات اجتماعی خویش، باید تلاش کنید تا بتوانید همدیگر را در عین تفاوت‌های کوچک و بزرگ خویش بپذیرید؛ چراکه زندگی اجتماعی مستلزم تعامل و ارتباط با دیگران است و محقق ساختن این منظور، به درک و احترام متقابل بین اعضای جامعه نیاز دارد. بنابراین به خانواده‌ها تاکید می‌شود که فرزندان خویش را از همان ابتدای دوران کودکی با فرهنگ تساهل و همزیستی آشنا کنند تا در دوران بزرگسالی بتوانند در مواجهه با عقاید متفاوت با بهره‌مندی از شیوه‌های تعقل و تفکر اصولی با روحیه تساهل برخورد کنند و وجود افکار مختلف را در کنار عقاید و باورهای خویش بپذیرند.